

تبعات و آثار سوء تحریم های اقتصادی یک جانبه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۰۲)

محمد آذری^۱

دکتر علیرضا انصاری مهباری

چکیده

تحریم های اقتصادی یک جانبه در دهه های اخیر به یکی از پرکاربردترین ابزارهای فشار سیاسی در روابط بین الملل تبدیل شده اند. این نوع تحریم ها، به دلیل اتکا به تصمیم یک دولت یا ائتلاف محدود خارج از چارچوب های چندجانبه، نه تنها پیامدهای اقتصادی مستقیم برای دولت هدف ایجاد می کنند، بلکه آثار زنجیره ای و چندسطحی بر زیست روزمره مردم، ساختار حکمرانی اقتصادی، امنیت انسانی، نظام سلامت، آموزش، بازار کار، سرمایه اجتماعی و حتی محیط زیست برجای می گذارند. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی و میان رشته ای، تبعات و آثار سوء تحریم های اقتصادی یک جانبه را در چهار سطح کلان اقتصادی، نهادی و حکمرانی، اجتماعی و انسانی، و حقوقی و اخلاقی بررسی می کند. یافته های مقاله نشان می دهد که تحریم های یک جانبه غالباً با پدیده هایی مانند افزایش تورم و نااطمینانی، افت سرمایه گذاری و رشد، تضعیف پول ملی، تشدید فقر و نابرابری، کاهش کیفیت خدمات عمومی، گسترش اقتصاد غیررسمی و فساد، و تقویت بیش انطباق بانک ها و شرکت های خارجی همراه می شوند؛ پدیده هایی که هزینه آن عمدتاً بر دوش گروه های آسیب پذیر قرار می گیرد. همچنین مقاله نشان می دهد که شکاف میان اهداف اعلامی تحریم کنندگان و پیامدهای واقعی آن، در کنار چالش های حقوقی مربوط به فراسرزمینی شدن محدودیت ها، ضرورت بازاندیشی در مشروعیت، کارآمدی و انسان محور بودن این ابزار را برجسته می سازد. در پایان، مجموعه ای از راهبردهای کاهش آسیب و سیاست های جبرانی در سطح ملی و توصیه هایی برای سازوکارهای بین المللی ارائه می شود.

واژگان کلیدی: تحریم های اقتصادی یک جانبه، اقدامات قهری یک جانبه، رفاه اجتماعی، حقوق بشر، حکمرانی اقتصادی، بیش انطباق، امنیت انسانی

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

در ادبیات سیاست بین‌الملل، تحریم اقتصادی به عنوان ابزار فشار غیرنظامی معرفی می‌شود که هدف آن تغییر رفتار دولت هدف، محدودسازی توانمندی‌های راهبردی، یا واداشتن به مذاکره است. با این حال، آنچه در تجربه‌های تاریخی و مطالعات تجربی برجسته می‌شود این است که تحریم‌ها صرفاً یک «محدودیت تجاری یا مالی» نیستند، بلکه یک شوک ساختاری به اقتصاد و جامعه‌اند که پیامدهای آن از سطح بازار ارز و تجارت خارجی فراتر می‌رود و تا سطح خانواده، اعتماد عمومی، کیفیت حکمرانی و ظرفیت نهادی امتداد پیدا می‌کند.

تحریم‌های اقتصادی یک جنبه به طور ویژه محل مناقشه‌اند؛ زیرا برخلاف تحریم‌های مبتنی بر تصمیمات چندجانبه، غالباً در چارچوب توافقات فراگیر بین‌المللی شکل نمی‌گیرند و به دلیل قدرت شبکه‌ای نظام مالی جهانی، اثرگذاری آنها می‌تواند فراتر از مرزهای حقوقی تحریم‌کننده گسترش یابد. در نتیجه، حتی شرکت‌ها و بانک‌های کشورهای ثالث نیز برای پرهیز از ریسک، همکاری با اقتصاد هدف را محدود می‌کنند؛ پدیده‌ای که به «بیش انطباق» یا «خودتحریمی» در سطح بازیگران بین‌المللی مشهور شده است.

هدف مقاله حاضر ارائه تصویری منسجم و بخش‌بندی شده از تبعات و آثار سوءتحریم‌های اقتصادی یک جنبه است. تمرکز مقاله بر این است که نشان دهد چگونه تحریم، به عنوان یک مداخله بیرونی، از مسیرهای متعددی به تضعیف رفاه عمومی و توسعه پایدار می‌انجامد و چرا پیامدهای آن معمولاً نابرابر توزیع می‌شود. مقاله همچنین تلاش می‌کند میان سه سطح تحلیل پیوند برقرار کند: سطح اقتصادی و مالی، سطح اجتماعی و انسانی، و سطح حقوقی و هنجاری. این پیوند برای فهم این واقعیت ضروری است که حتی اگر هدف رسمی تحریم «فشار بر دولت» باشد، سازوکار انتقال فشار اغلب از طریق اقتصاد و جامعه عمل می‌کند و بنابراین، پیامدها لزوماً به بازیگران تصمیم‌گیر محدود نمی‌شود.

بیان مسئله

تحریم‌های اقتصادی یک جنبه با ادعای «کم‌هزینه بودن نسبت به گزینه نظامی» و «هدف‌گیری دقیق» توجیه می‌شوند، اما شواهد فراوان نشان می‌دهد که هزینه‌های واقعی آنها پیچیده، بلندمدت و عمدتاً اجتماعی است. مسئله اصلی این پژوهش این است که چرا و چگونه تحریم‌های یک جنبه، حتی در صورت طراحی به ظاهر «هوشمند» یا «هدفمند»، به تبعات گسترده انسانی و نهادی منجر می‌شوند.

از یک سو، تحریم شوک عرضه و تقاضا ایجاد می‌کند، دسترسی به نهاده‌ها و فناوری را کاهش می‌دهد و هزینه مبادله را بالا می‌برد. از سوی دیگر، نااطمینانی و ریسک اعتباری

افزایش می یابد و مسیرهای رسمی تجارت و پرداخت تضعیف می شوند. در چنین شرایطی اقتصاد به سمت میان برهای غیررسمی و پرهزینه سوق می یابد. این میان برها معمولاً شفافیت کمتر، رانت بیشتر، و کیفیت پایین تر کالا و خدمات را به همراه دارند. در سطح اجتماعی، فشار اقتصادی به کاهش قدرت خرید، کوچک شدن سبد مصرفی، افت کیفیت تغذیه و سلامت، افزایش اضطراب و ناامنی شغلی و فرسایش سرمایه اجتماعی می انجامد. همزمان، گروه های دارای دارایی، دسترسی به شبکه ها و امکان تبدیل منابع به ارزهای سخت، توان سازگاری بیشتری دارند. بنابراین تحریم می تواند شکاف های طبقاتی و منطقه ای را تشدید کند.

در سطح حقوقی و اخلاقی، مسئله دیگر مشروعیت و سازگاری تحریم های یک جانبه با اصول منشور ملل متحد، اصل عدم مداخله، و تعهدات مربوط به حقوق بشر است. زمانی که تحریم، حتی غیرمستقیم، به محرومیت مردم از حقوق بنیادین مانند سلامت، غذا، آموزش و توسعه منجر شود، پرسش از مسئولیت و پاسخگویی اخلاقی و حقوقی مطرح می شود. بنابراین پرسش مرکزی مقاله چنین صورت بندی می شود: تحریم های اقتصادی یک جانبه از طریق چه سازوکارهایی به آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و حقوقی منجر می شوند و چه راهبردهایی برای کاهش آسیب های آنها قابل طرح است.

مرور ادبیات

ادبیات تحریم ها را می توان به چند خوشه اصلی تقسیم کرد: ادبیات کارآمدی تحریم، ادبیات پیامدهای ناخواسته و انسانی، ادبیات حقوقی و هنجاری، و ادبیات مربوط به تحریم های مالی و شبکه ای در عصر جهانی شدن.

در خوشه نخست، پژوهشگران عمدتاً به این پرداخته اند که تحریم ها تا چه حد در تغییر رفتار دولت های هدف موفق بوده اند و چه عواملی احتمال موفقیت را افزایش می دهد. برخی آثار کلاسیک با رویکرد داده محور، مجموعه ای از موارد تحریم را گردآوری کرده و تلاش کرده اند رابطه میان شدت تحریم، ائتلاف سازی، اهداف محدود یا گسترده، و نتیجه سیاسی را توضیح دهند.

در خوشه دوم، تمرکز بر این است که تحریم چگونه بر رفاه مردم، فقر، نابرابری، سلامت و حقوق بشر اثر می گذارد. این دسته از مطالعات نشان داده اند که تحریم ها غالباً «به افراد اشتباه» آسیب می زنند، زیرا دولت ها می توانند بخشی از هزینه ها را به جامعه منتقل کنند، در حالی که خانواده ها و کسب و کارهای کوچک سپر حفاظتی کافی ندارند. در این ادبیات، علاوه بر شاخص های اقتصادی، شاخص های سلامت عمومی، مرگ و میر، دسترسی به دارو، و تغییرات رفاه اجتماعی نیز بررسی شده است.

خوشه سوم، به مباحث حقوق بین الملل و حقوق بشر می پردازد. در اینجا موضوعاتی مانند سازگاری اقدامات قهری یک جانبه با منشور ملل متحد، اصل عدم توسل به زور و عدم مداخله، و نیز تعهدات دولت ها نسبت به حقوق اقتصادی و اجتماعی مطرح می شود. در این حوزه، گزارش ها و قطعنامه های نهادهای بین المللی درباره «اقدامات قهری یک جانبه» به عنوان یک چارچوب هنجاری مهم مورد توجه قرار گرفته است.

خوشه چهارم، بر تحریم های مالی و اثرات شبکه ای آن تمرکز دارد. در اقتصاد جهانی امروز، تحریم های بانکی و مالی می توانند حتی در نبود ممنوعیت های تجاری گسترده، جریان تجارت و سرمایه را مختل کنند. این ادبیات به نقش دلار، کارگزاری بانکی، مقررات انطباق، و بیش انطباق بازیگران خصوصی اشاره می کند. نتیجه مهم این است که تحریم های یک جانبه، به دلیل جایگاه مرکزی برخی کشورها در شبکه مالی جهانی، در عمل به ابزار فرامرزی تبدیل می شوند و اثرات آنها به مراتب گسترده تر از قلمرو حقوقی تحریم کننده است.

در ادبیات فارسی نیز طی سال های اخیر، پژوهش های متعددی از منظر حقوق بین الملل، حقوق بشر، و سیاست گذاری اقتصادی به مسئله تحریم ها پرداخته اند. برخی مقالات به مسئولیت بین المللی دولت تحریم کننده در قبال آثار حقوق بشری و تعهدات معاهداتی پرداخته اند و برخی دیگر بر سازوکارهای اقتصادی انتقال شوک و راهبردهای تاب آوری تمرکز داشته اند. جمع بندی این آثار نشان می دهد که گفت و گو میان حوزه های اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی برای فهم جامع آثار تحریم ها ضروری است.

روش شناسی

این مقاله از روش توصیفی تحلیلی با رویکرد میان رشته ای استفاده می کند. داده ها و شواهد از سه مسیر گردآوری و تحلیل شده اند.

نخست، تحلیل مفهومی و نظری برای توضیح سازوکارهای اثرگذاری تحریم های یک جانبه بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی انجام شده است. در این بخش، از چارچوب های اقتصاد کلان باز، اقتصاد نهادی، و رویکرد امنیت انسانی بهره گرفته می شود تا مسیرهای انتقال شوک و پیامدهای ثانویه روشن شود.

دوم، تحلیل اسنادی و مطالعه ادبیات با اتکا به پژوهش های تجربی بین المللی درباره اثر تحریم بر فقر، رشد، و حقوق بشر صورت گرفته است. این مطالعات به عنوان پشتوانه برای استدلال های مقاله به کار می روند، بدون آنکه منابع درون متن ذکر شوند.

سوم، تحلیل حقوقی و هنجاری بر پایه اسناد و گزارش های نهادهای بین المللی مرتبط با «اقدامات قهری یک جانبه» انجام شده است تا جایگاه تحریم های یک جانبه در مناقشه

های حقوقی و اخلاقی روشن گردد.

محدودیت روش شناختی مقاله این است که به جای ارائه یک برآورد آماری جدید، بر ترکیب شواهد موجود و ساختن یک چارچوب تبیینی منسجم تمرکز دارد. با این حال، تلاش شده است با استفاده از منابع متنوع فارسی و انگلیسی و اتکا به گزارش های رسمی بین المللی، تحلیل از نظر استنادی و منطقی قابل دفاع باشد.

بخش اول: سازوکارهای اقتصادی و مالی تحریم های یک جانبه

بند اول: کانال تجارت خارجی و شوک عرضه

تحریم های یک جانبه معمولاً با محدودیت در صادرات و واردات، ممنوعیت دسترسی به برخی کالاهای حساس، و محدودسازی خدمات حمل و نقل و بیمه همراه می شوند. پیامد فوری این وضعیت، افزایش هزینه واردات و کاهش دسترسی به نهاده های تولید است. وقتی زنجیره تامین مختل می شود، تولیدکنندگان داخلی با کمبود مواد اولیه یا قطعات مواجه می شوند و یا ناچارند با قیمت بالاتر از مسیرهای غیرمستقیم تامین کنند. این افزایش هزینه در نهایت به قیمت مصرف کننده منتقل می شود و تورم فشار هزینه را تشدید می کند.

از منظر ساختاری، تحریم می تواند ترکیب واردات را تغییر دهد. اقتصاد هدف ممکن است به واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای نیاز داشته باشد، اما در عمل واردات به سمت کالاهای کم کیفیت تر یا گران تر از مسیرهای پیچیده سوق پیدا می کند. این فرآیند به تدریج بهره وری تولید را کاهش می دهد و مزیت های رقابتی صنایع را تضعیف می کند. همچنین، محدودیت صادرات به کاهش درآمد ارزی و افت توان تامین واردات ضروری می انجامد و اقتصاد را در چرخه تنگنای ارزی قرار می دهد.

بند دوم: کانال مالی، بانکداری و بیش انطباق

در تحریم های مدرن، محدودیت های بانکی و مالی نقش محوری دارند. قطع یا محدود شدن روابط کارگزاری، افزایش هزینه نقل و انتقال پول، و مسدود شدن دارایی ها می تواند حتی تجارت کالاهای مجاز را نیز دشوار کند. در چنین وضعیتی، بنگاه ها برای پرداخت های بین المللی به شبکه های واسطه، صرافی های غیررسمی و روش های پرریسک متوسل می شوند.

یکی از آثار مهم، بیش انطباق است. بانک ها و شرکت های خارجی، حتی وقتی مجوزهای بشردوستانه یا استثنائات وجود دارد، به دلیل ترس از جریمه یا آسیب reputational، از هرگونه تعامل با اقتصاد هدف پرهیز می کنند. نتیجه، «خنثی شدن عملی» کانال های رسمی است. این وضعیت، هم هزینه تجارت را بالا می برد و هم دسترسی به کالاهای

حیاتی، از جمله اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی را در عمل دشوار می سازد. همچنین تحریم های مالی می تواند به کاهش سرمایه گذاری خارجی، خروج سرمایه، و محدود شدن دسترسی دولت و بخش خصوصی به تامین مالی بین المللی منجر شود. اقتصاد در نتیجه، برای تامین مالی توسعه و زیرساخت به منابع داخلی یا روش های پرهزینه متکی می شود که خود می تواند رشد بلندمدت را محدود کند.

بند سوم: نااطمینانی، انتظارات و بی ثباتی کلان
تحریم تنها یک شوک «واقعی» نیست، بلکه یک شوک انتظاراتی نیز هست. افزایش نااطمینانی درباره آینده درآمدهای ارزی، ثبات سیاسی، و امکان تجارت، موجب تغییر رفتار خانوارها و بنگاه ها می شود. خانوارها به سمت دارایی های جایگزین برای حفظ ارزش حرکت می کنند و بنگاه ها سرمایه گذاری بلندمدت را به تعویق می اندازند. نتیجه می تواند تشدید نوسانات بازار ارز، کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم انتظاری و بی ثباتی در سیاست گذاری باشد.

در چنین شرایطی، سیاست گذار با یک دوگانه دشوار مواجه است: از یک سو برای مهار تورم به انضباط پولی و مالی نیاز دارد، و از سوی دیگر برای کاهش فشار معیشتی و حفظ تولید، ناچار به حمایت های گسترده و مداخلات قیمتی می شود. اگر سیاست های حمایتی بدون تامین مالی پایدار اجرا شود، می تواند خود به تورم بیشتر و تشدید بی ثباتی منجر گردد. بنابراین تحریم، فضای سیاست گذاری را محدود و پرخطا می کند.

بخش دوم: پیامدهای اجتماعی و انسانی تحریم های یک جانبه

بند اول: فقر، نابرابری و آسیب پذیری معیشتی
تحریم ها از طریق تورم، رکود، کاهش اشتغال و افت درآمد واقعی، به افزایش فقر منجر می شوند. نکته مهم این است که آثار تحریم به طور مساوی توزیع نمی شود. گروه های کم درآمد، حقوق بگیران ثابت، سالمندان، افراد دارای بیماری های مزمن، و خانوارهای دارای وابستگی بیشتر به کالاهای ضروری، آسیب بیشتری می بینند. در مقابل، گروه هایی که دارایی های ارزی یا شبکه های تجاری دارند، امکان سازگاری بیشتری خواهند داشت.

همچنین تحریم می تواند نابرابری منطقه ای را تشدید کند. مناطق محروم که پیشتر با کمبود زیرساخت و اشتغال مواجه بوده اند، در برابر شوک های اقتصادی تاب آوری کمتری دارند. کاهش بودجه عمرانی و محدود شدن سرمایه گذاری، شکاف توسعه ای را بیشتر می کند و مهاجرت داخلی را افزایش می دهد.

بند دوم: سلامت عمومی و دسترسی به دارو و تجهیزات
یکی از حساس ترین حوزه های اثرگذاری تحریم، نظام سلامت است. حتی اگر دارو و

تجهیزات پزشکی در فهرست تحریم نباشد، محدودیت های بانکی، بیمه ای و حمل و نقل می تواند واردات و تامین را مختل کند. از سوی دیگر، تورم و افت درآمد واقعی، توان خرید خانوار برای دارو و خدمات درمانی را کاهش می دهد.

پیامدها می تواند در قالب کمبودهای مقطعی داروهای خاص، تاخیر در نوسازی تجهیزات بیمارستانی، کاهش کیفیت خدمات، و افزایش پرداخت از جیب بیماران بروز کند. در بلندمدت، فرسایش سرمایه انسانی حوزه سلامت و مهاجرت نیروی متخصص نیز ممکن است تشدید شود.

تحریم همچنین می تواند برنامه های پیشگیری و واکسیناسیون، تامین مواد اولیه دارویی و تحقیق و توسعه پزشکی را تحت فشار قرار دهد. این پیامدها فقط به دولت هدف محدود نمی شود، بلکه بر استانداردهای جهانی سلامت و اخلاق پزشکی نیز سایه می اندازد.

بند سوم: آموزش، سرمایه انسانی و چشم انداز توسعه فشار اقتصادی ناشی از تحریم ها می تواند آموزش را از چند مسیر متاثر کند. کاهش بودجه عمومی ممکن است کیفیت مدارس و دانشگاه ها را تحت تاثیر قرار دهد. خانواده ها نیز ممکن است در تامین هزینه های آموزشی، ابزارهای دیجیتال و آموزش تکمیلی دچار مشکل شوند. در برخی موارد، افزایش فقر می تواند به ترک تحصیل یا ورود زودهنگام به بازار کار غیررسمی منجر شود.

در سطح کلان، تحریم می تواند دسترسی دانشگاه ها و پژوهشگران به منابع علمی، تجهیزات آزمایشگاهی، نرم افزارها و همکاری های بین المللی را محدود کند. این محدودیت، ظرفیت نوآوری و رشد بهره وری را تضعیف می کند و در بلندمدت، مسیر توسعه را کندتر می سازد.

بند چهارم: سرمایه اجتماعی، اعتماد و پیامدهای روانی اقتصاد تحریم زده غالباً با نااطمینانی مزمن همراه است. نااطمینانی مزمن می تواند به فرسایش اعتماد عمومی، افزایش اضطراب اجتماعی و کاهش امید به آینده منجر شود. وقتی مردم احساس کنند کنترل کمی بر آینده اقتصادی دارند، رفتارهای محافظه کارانه مانند احتکار، خرید هیجانی، یا تبدیل پس انداز به دارایی های غیرمولد گسترش می یابد. این رفتارها خود به تشدید بی ثباتی کمک می کند.

از سوی دیگر، طولانی شدن فشارها می تواند شکاف میان جامعه و نهادهای رسمی را افزایش دهد، زیرا انتظار عمومی برای حمایت بیشتر بالا می رود، اما منابع دولت محدودتر می شود. در چنین شرایطی، کارآمدی سیاست گذاری و مشروعیت اجتماعی تصمیم ها در معرض آزمون قرار می گیرد.

بخش سوم: آثار نهادی و حکمرانی اقتصادی

بند اول: گسترش اقتصاد غیررسمی و کاهش شفافیت

وقتی کانال های رسمی تجارت و مالی محدود می شود، بخشی از فعالیت ها به اقتصاد غیررسمی منتقل می گردد. اقتصاد غیررسمی ممکن است در کوتاه مدت به تامین برخی کالاها کمک کند، اما در بلندمدت هزینه های سنگینی دارد: کاهش شفافیت، دشوارتر شدن اخذ مالیات، گسترش قاچاق، تضعیف استانداردهای کیفیت و ایمنی، و شکل گیری شبکه های رانتی.

کاهش شفافیت همچنین امکان سیاست گذاری مبتنی بر داده را کم می کند. دولت برای مدیریت بازار به ابزارهای اداری و کنترلی بیشتری متوسل می شود و این امر خطر ناکارآمدی و فساد را بالا می برد. از این منظر، تحریم می تواند یک چرخه معیوب ایجاد کند که در آن، محدودیت خارجی به ضعف نهادی داخلی دامن می زند و ضعف نهادی نیز اثر تحریم را تشدید می کند.

بند دوم: فساد، رانت و تغییر انگیزه های اقتصادی

تحریم ها با ایجاد شکاف قیمت، محدودیت های وارداتی و نیاز به مجوزها، زمینه های رانت را افزایش می دهند. وقتی دسترسی به ارز، واردات یا صادرات از مسیرهای خاص ممکن باشد، مجوزها و ارتباطات اهمیت بیشتری پیدا می کند و این می تواند انگیزه های فساد را تقویت کند.

همچنین تحریم می تواند تخصیص منابع را منحرف کند. سرمایه ها به سمت فعالیت های کوتاه مدت، سفته بازی و کسب سود از اختلاف قیمت ها حرکت می کنند، در حالی که سرمایه گذاری مولد و بلندمدت کاهش می یابد. نتیجه، افت بهره وری و تضعیف رشد پایدار است.

بند سوم: تضعیف ظرفیت سیاست گذاری و تله تصمیم های کوتاه مدت

در محیط تحریمی، دولت با فشارهای همزمان مواجه است: تامین کالاهای ضروری، حمایت از اقشار آسیب پذیر، حفظ تولید و اشتغال، مدیریت نرخ ارز و تورم، و تامین مالی بودجه. این فشارها تصمیم گیری را به سمت سیاست های کوتاه مدت سوق می دهد.

اگرچه سیاست های اضطراری برای کاهش رنج اجتماعی ضروری است، اما تداوم آنها می تواند موجب کسری بودجه مزمن، فرسایش منابع، و وابستگی به مداخلات قیمت گذاری شود. در این حالت، حتی پس از کاهش تحریم ها نیز بازگشت به سیاست های پایدار دشوار می شود. بنابراین یکی از آثار کمتر دیده شده تحریم، ایجاد «میراث نهادی» و قفل شدگی در سیاست های کم بازده است.

بخش چهارم: ابعاد حقوقی، اخلاقی و بین المللی تحریم های یک جانبه

بند اول: چالش مشروعیت و نسبت با اصول منشور ملل متحد
تحریم های یک جانبه در سطح هنجاری با پرسش هایی درباره مشروعیت مواجه اند، به ویژه زمانی که آثار آنها گسترده و فراگیر باشد. اسناد و مباحث بین المللی مرتبط با «اقدامات قهری یک جانبه» بر این نکته تاکید می کنند که چنین اقدامات و رویه هایی می توانند با اصول حقوق بین الملل، از جمله احترام به حاکمیت دولت ها و عدم مداخله، در تنش قرار گیرند.

علاوه بر این، وقتی تحریم ها به شکل فراسرزمینی اجرا می شوند و شرکت ها و بانک های کشورهای ثالث را نیز در معرض مجازات قرار می دهند، مسئله پیچیده تر می شود. در این وضعیت، تحریم از یک اقدام سیاست خارجی به سازوکاری تبدیل می شود که قواعد تعامل اقتصادی جهانی را به صورت یک طرفه بازتعریف می کند.

بند دوم: حقوق بشر، حقوق اقتصادی اجتماعی و اصل تفکیک ناپذیری حقوق
اگر تحریم ها موجب اختلال در دسترسی به دارو، غذا، آب سالم، آموزش و حداقل های معیشتی شوند، بحث حقوق بشر وارد مرکز مناقشه می گردد. در نگاه حقوق بشری، حقوق اقتصادی و اجتماعی نه یک امتیاز ثانویه بلکه بخشی از حقوق بنیادین انسان است. از این رو، ادعای «استثنای بشردوستانه» زمانی معنا دارد که در عمل نیز امکان دسترسی واقعی فراهم باشد.

در واقع، اگر شبکه بانکی و بیمه ای از ترس تبعات حقوقی همکاری نکند، استثنای بشردوستانه روی کاغذ باقی می ماند. در چنین شرایطی، مسئولیت اخلاقی و حقوقی تحریم کننده و نیز مسئولیت جامعه بین المللی برای کاهش آسیب مطرح می شود. همچنین باید توجه داشت که تحریم ها می توانند به تضعیف ظرفیت دولت برای ایفای تعهدات اجتماعی خود منجر شوند. کاهش منابع بودجه ای، افزایش هزینه تامین کالاهای عمومی و افت رشد اقتصادی، قدرت دولت را برای سرمایه گذاری در سلامت و آموزش محدود می کند. از منظر حقوق بشر، این وضعیت می تواند به پسرفت در تحقق تدریجی حقوق اقتصادی و اجتماعی منجر شود.

بند سوم: شکاف میان اهداف اعلامی و نتایج واقعی
تحریم ها معمولاً با اهدافی مانند «تغییر رفتار دولت»، «مهار تهدید» یا «حمایت از حقوق بشر و دموکراسی» توجیه می شوند. اما بسیاری از پژوهش های تجربی نشان می دهند که تحریم ها می توانند ناخواسته به کاهش آزادی های سیاسی و افزایش فشار بر جامعه مدنی منجر شوند، زیرا دولت هدف ممکن است برای مدیریت بحران، فضای امنیتی را تقویت کند

یا منابع را به حوزه های اولویت دار خود منتقل نماید. همچنین تحریم ها ممکن است حس محاصره و دشمنی خارجی را تقویت کرده و همبستگی بخشی از جامعه با دولت را افزایش دهند، یا دست کم امکان تغییر سیاسی مورد نظر تحریم کننده را کاهش دهند. بنابراین، حتی از منظر کارآمدی سیاست خارجی نیز تحریم های یک جانبه می توانند نتایج متناقض ایجاد کنند و هزینه های انسانی آنها با دستاورد سیاسی نامطمئن همراه شود.

بخش پنجم: راهبردهای کاهش آسیب و سیاست های جبرانی

بند اول: اصلاحات حکمرانی و شفافیت داخلی
اگرچه تحریم یک عامل بیرونی است، اما شدت اثرگذاری آن به کیفیت حکمرانی داخلی نیز وابسته است. افزایش شفافیت در تخصیص ارز و مجوزها، کاهش رانت های وارداتی، اصلاح نظام یارانه ای به نفع گروه های هدف، و تقویت رقابت می تواند بخشی از آثار سوء را کاهش دهد.

همچنین، تقویت نظام داده و پایش رفاه، برای شناسایی دقیق گروه های آسیب پذیر ضروری است. بدون داده و هدف گیری، سیاست های حمایتی به اتلاف منابع و بی عدالتی منجر می شود.

بند دوم: تاب آوری اقتصادی و تنوع بخشی به پیوندهای خارجی
تنوع بخشی به بازارهای صادراتی، توسعه زنجیره ارزش داخلی، و کاهش وابستگی به گلوگاه های تحریمی می تواند ریسک را کاهش دهد. این راهبردها باید واقع بینانه و تدریجی باشد، زیرا جایگزینی فناوری و سرمایه در کوتاه مدت ممکن نیست.
در حوزه مالی، ایجاد سازوکارهای پرداخت منطقه ای، توافقات پولی دو یا چندجانبه، و توسعه زیرساخت های حقوقی تجارت می تواند هزینه مبادله را کاهش دهد. با این حال، باید توجه داشت که راه حل های دورزدن اگر با شفافیت و نظارت همراه نباشد، می تواند فساد و اقتصاد غیررسمی را تشدید کند.

بند سوم: حفاظت اجتماعی، سلامت و اولویت دهی به سرمایه انسانی
سیاست های جبرانی باید بر حفاظت از حداقل های معیشتی، امنیت غذایی، و دسترسی به خدمات سلامت متمرکز شود. تقویت بیمه های پایه، حمایت از بیماران خاص، تامین پایدار دارو و تجهیزات حیاتی، و جلوگیری از افت کیفیت آموزش عمومی از اولویت های راهبردی است.

همچنین باید به هزینه های پنهان تحریم توجه کرد: افت کیفیت تغذیه کودکان، کاهش سرمایه انسانی، و فرسایش امید اجتماعی، پیامدهایی هستند که ممکن است سال ها بعد در

قالب کاهش بهره وری و افزایش آسیب های اجتماعی ظاهر شوند. بند چهارم: نقش جامعه بین المللی و سازوکارهای بشردوستانه واقعی در سطح بین المللی، ایجاد کانال های مالی امن و روشن برای تجارت اقلام بشردوستانه، کاهش بیش انطباق از طریق دستورالعمل های شفاف، و پاسخگویی نسبت به پیامدهای انسانی می تواند بخشی از رنج اجتماعی را کاهش دهد. همچنین، تقویت چارچوب های گفت وگو درباره اقدامات قهری یک جانبه، و ارزیابی های منظم اثرات حقوق بشری، می تواند به سمت سیاست گذاری مسئولانه تر حرکت ایجاد کند. اگر هدف ادعایی تحریم «حمایت از مردم» است، سازوکارهای اجرایی باید به گونه ای طراحی شود که مردم در عمل قربانی اصلی نشوند.

نتیجه گیری

تحریم های اقتصادی یک جانبه به دلیل ماهیت خارج از چارچوب های چندجانبه، اثرات شبکه ای و فراسرزمینی، و وابستگی شدید اقتصاد جهانی به کانال های مالی و تجاری، به ابزاری تبدیل شده اند که پیامدهای آن فراتر از اهداف اعلامی گسترش می یابد. بررسی های این مقاله نشان داد که آثار سوء تحریم ها در چهار سطح قابل مشاهده است: سطح کلان اقتصادی و مالی که با تورم، رکود، کاهش سرمایه گذاری و بی ثباتی همراه است؛ سطح اجتماعی و انسانی که با افزایش فقر، نابرابری و فشار بر سلامت و آموزش نمایان می شود؛ سطح نهادی و حکمرانی که در قالب رشد اقتصاد غیررسمی، فساد و تله سیاست گذاری کوتاه مدت بروز می کند؛ و سطح حقوقی و اخلاقی که پرسش هایی درباره مشروعیت، فراسرزمینی شدن و سازگاری با حقوق بشر ایجاد می نماید.

جمع بندی مقاله این است که حتی در صورتی که تحریم ها با ادعای «هدفمندی» طراحی شوند، ساختار اقتصاد و شبکه های مالی جهانی موجب می شود که هزینه ها به شکل نامتقارن بر دوش مردم، به ویژه گروه های آسیب پذیر، منتقل شود. بنابراین، ارزیابی تحریم ها باید نه فقط با معیار تغییر رفتار دولت ها، بلکه با معیارهای امنیت انسانی، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار نیز انجام گیرد.

در نهایت، کاهش آثار سوء تحریم های یک جانبه نیازمند ترکیبی از اصلاحات داخلی برای افزایش شفافیت و کارآمدی، سیاست های اجتماعی حمایتی برای حفاظت از سرمایه انسانی، و همچنین سازوکارهای بین المللی واقعی برای تضمین دسترسی بشردوستانه و کاهش بیش انطباق است.

منابع و مآخذ

• منابع فارسی:

زمانی، سیدقاسم و فرهمندزاد، زینب. اقدامات قهری یکجانبه آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر رویه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد. نشریه علمی پژوهشی حقوقی. پایگاه مقالات نشریه دانشکده حقوق .

آثار تحریم های یکجانبه بر رعایت حقوق بشر با تأکید بر تحریم های ایالات متحده. نشریه دانشگاهی مرتبط با مطالعات امنیتی و دفاعی .

پرتال جامع علوم انسانی. مدخل موضوعی تحریم های یکجانبه و فهرست مقالات مرتبط .

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد. مروری بر گزارش بازدید گزارشگر ویژه آثار منفی اقدامات قهری یکجانبه بر بهره مندی از حقوق بشر .

• منابع انگلیسی و بین المللی:

United Nations General Assembly. Human rights and unilateral coercive measures. Resolution A/RES/۷۸/۲۰۲, adopted ۱۹ December ۲۰۲۳.

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. Special Rapporteur on unilateral coercive measures. Mandate background and materials.

United Nations. Negative impact of unilateral coercive measures on the enjoyment of human rights. Note by the Secretary-General transmitting the report of the Special Rapporteur, Document symbol A/۷۵/۲۰۹, ۲۰۲۰.

OHCHR. A/۷۳/۱۷۵ Report of the Special Rapporteur on the negative impact of unilateral coercive measures on the enjoyment of human rights, ۷۳rd session of the General Assembly.

ReliefWeb. Impact of unilateral coercive measures on economic, labour and social rights. Report of the Special Rapporteur, Document A/HRC/۶۰/۳۶, ۲۰۲۵.

Hufbauer, Gary Clyde, Schott, Jeffrey J., Elliott, Kimberly Ann, and

Oegg, Barbara. Economic Sanctions Reconsidered. Third Edition. Columbia University Press, ۲۰۰۷.

Neuenkirch, Matthias and Neumeier, Florian. Always Affecting the Wrong People? The Impact of US Sanctions on Poverty. Joint Discussion Paper Series in Economics No. ۱۰-۲۰۱۵, ۲۰۱۵.

Peksen, Dursun and Drury, A. Cooper. Economic Sanctions and Political Repression. Human Rights Review, Volume ۱۰, Issue ۳, ۲۰۰۹, pages ۳۹۳-۴۱۱.

The Lancet. Sanctions and childhood mortality in Iraq. The Lancet, ۲۰۰۰.